



آیتی →

از زبان

← آیتی

● به منظور تقدیر و تجلیل از «استاد عبدالمحمد آیتی»، مراسم بزرگداشتی در ۲۵ آذر ۱۳۷۷ با حضور استادان، مترجمان و اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی و به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد. در این مراسم استاد احمد سمیعی، دکتر محمد خوانساری، عبدالمعلی دستغیب و دکتر سیدصادق سجادی درباره مقام علمی و خدمات فرهنگی استاد آیتی سخن گفتند. مقالاتی را که در این بخش می‌خوانید متن سخنرانی‌هاست که توسط سخنرانان تکمیل و پیراسته شده است.

مجید را در سال ۱۳۵۶ آغاز کردم و پس از سه سال به پایان بردم. به خیال خودم می‌خواستم ترجمه‌ای روان و امروزی، ترجمه‌ای که در عین صحت و فصاحت و بلاغت و در عین زیبایی عبارات خواندندش برای همگان آسان باشد به وجود آورم. ترجمه‌هایی را که تا آن روز منتشر شده بودند، چون ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای و ترجمه مرحوم پاینده و مرحوم رهنما را خواندم و فراز و فرود و حسن و عیب هر کدام را در نظر گرفتم. می‌خواستم چیزی به وجود آورم که از حسن‌های همه آنها بهره‌مند و از عیب‌های آنها (اگر داشته باشند) میزا باشد. چه می‌شود کرد آن‌ انسان خلق هلوغا. در هنگام ترجمه از تفسیر غافل نبوده‌ام. همواره به تفسیر ابوالفتح، کشف الاسرار، مجمع‌البیان، ترجمه تفسیر طبری، کشف و تفسیر کبیر امام فخر مراجعه می‌کردم. در تجدید نظر چاپ بعد در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه هم تگریسته‌ام. بر ترجمه بنده چند تن از افاضل نقدهایی نوشته‌اند. از همه سپاسگزارم. از آن ایرادها هر کدام را که وارد بوده پس از مراجعه به تفاسیر در چاپ‌های بعد اعمال کرده‌ام و خواهم کرد. □

تدریس کردم. در مهر ماه سال ۱۳۴۸ به پیشنهاد مرکز انتشارات آموزشی به تهرانم آوردند و در آن مرکز به کار مشغول شدم. ده سال سردبیر ماهنامه آموزش و پرورش بودم تا در سال ۱۳۵۹ به افتخار بازنشستگی نایل شدم. مدت تدریس از سی سال هم گذشته بود. پیش از آنکه بازتشرسته شوم کتابهای باطلاق، کشتی شکسته، کالسکه زرین، تحریر تاریخ و صاف و ترجمه تقویم البلدان را منتشر کرده بودم. در دوره بازنشستگی تاریخ ابن خلدون (العبر) را در شش جلد ترجمه کردم و کتابهای دیگر را چون: تاریخ دولت اسلامی در اندلس در ۵ جلد و تاریخ ادبیات زبان عربی و تاریخ فلسفه در جهان اسلام و درباره فلسفه اسلامی را ترجمه کردم سپس به نظامی پرداختم و هر پنج کتاب: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، مخزن الاسرار، هفت پیکر و اسکندرنامه را گزیده و شرح کردم. ترجمه غزلهای ابونواس، ترجمه الغارات، ترجمه علویات سبع، نوشتن شکوه قصیده و شکوه سعدی در غزل و گنجور پنج گنج و پیر نیشابور هم از دیگر آثار حقیر است. ترجمه قرآن مجید و صحیفه سجادیه و نهج البلاغه بر تارک آثار بنده می‌درخشند. همچنین است ترجمه کتاب حجاز در صدر اسلام. ترجمه قرآن

اینجانب عبدالمحمد آیتی در سال ۱۳۰۵ در بروجرد متولد شده‌ام. درس خواندندم را از مکتبخانه شروع کردم و سپس به مدرسه رفتم. پس از پایان دبستان در مهر ماه سال ۱۳۲۰ وارد دبیرستان شدم. تا کلاس سوم دبیرستان خواندم ولی هوای دروس طلبگی در سرم افتاد. در مهر ماه سال ۱۳۲۳ به مدرسه آقا یا مدرسه نوربخش بروجرد رفتم. در مهر ماه سال ۱۳۲۴ در قم بودم. در مهر ماه سال ۱۳۲۵ از قم عازم تهران شدم و با گرفتن تصدیق مدرسی که آن وقت معادل دیپلم بود در کنکور دانشکده معقول و منقول شرکت کردم و قبول شدم. در خرداد سال ۱۳۲۸ به اخذ درجه لیسانس نائل آمدم و چون دوره علوم تربیتی و روانشناسی را هم دیده بودم برای تدریس در دبیرستانها به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمدم و در مهر ماه سال ۱۳۲۸ به دبیری دبیرستانهای بابل منصوب شدم. دو سال در بابل تدریس کردم و به خرم‌آباد لرستان منتقل شدم. در مهر ماه سال ۱۳۳۰ از خرم‌آباد به تهران منتقل شدم ولی چون پنج سال تمهد دبیری داشتم پس از چند سال که در تهران بودم مرا به ساوه فرستادند. دیگر نتوانستم شاید هم نمی‌خواستم به تهران باز گردم. ده سال در ساوه و دو سال در گرمسار